



مدد حقوق



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۴

امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران
 همایون مافی، مرتضی پورعزیز
 بررسی قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
 آریا ابراهیمی، سبحان طیبی
 هوش مصنوعی و نظام حقوق کیفری: تحلیل مسئولیت‌ها و پیامدها
 هادی جمشیدی فر، مهدی جعفریان، رقیه جعفریان
 تحول دادرسی کیفری در پرتو عدالت دیجیتال: کارکرد هم‌افزایانه فناوری‌های نوپهور
 سیدعلیرضا میرکمالی، سیدمصطفی حسینی دستجردی
 وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن
 سعید مولوی، نرجس دریانی چلچله
 تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی
 احسانه وثوقی منفرد، محمدعلی کفایی فر
 تحلیلی بر دخالت نظریه‌های اخلاقی در حقوق کیفری
 ایرج مروتنی، سعید احمدی، نگین بهادری جهرمی
 لزوم جرم‌انگاری نگهداری ماینر در ایران (مطالعه تطبیقی)
 مهدی رجائیان، شادی چگینی
 ارتباط کرامت انسانی و اهداف مجازات‌ها در حقوق کیفری
 امیرحسین ابوالحسنی، ستار فخرایی، زینب قادری
 واکاوی مفهوم «احق بالولد» در روایات امامیه: نقدی بر انگاره «حضانت» در فقه و حقوق خانواده
 حجت‌اله دهقانی
 سامانه جامع حقوقی شرکت ملی نفت ایران «سحن»: تحولی راهبردی در حکمرانی حقوقی هوشمند صنعت نفت ایران
 سیدحجت‌الله علم‌الهدی، محمد مهدی اسدی
 اصول اساسی بیمه و نتایج آن بر قصد اضرار
 محمد کمالی، محمدعلی جهانی، حمیدرضا سلیمی
 واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران
 سیداحمد پیروندیزی، امیررضا محمودی
 بررسی اعتبار و قابلیت استناد ابزارهای ارتباطی نوین در فرایند اثبات جرم در نظام حقوقی ایران
 علیرضا باقری حسن‌آبادی
 مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی: تحلیل چالش‌های قانونی و راهکارهای پیشگیرانه در نظام ثبتی ایران
 ایوب رحیمی
 مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام
 احمدرضا سلطانیان
 مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین
 جیران ابراهیمی
 سیاستگذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید
 محبوبه طالبی رستمی
 تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه
 وحید کیومرثی
 مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی
 مهدی قره‌داغی، مسعود سرفرازی صالح
 مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف
 حبیب‌الله عبدالله پور، حمیدرضا نام‌آور
 تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران
 جواد چراغی
 تحلیل حقوقی نقش مشاوران املاک در حفظ حقوق مالکیت زمین و چالش‌های اجرایی آن در ایران
 محمد احمدی
 مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش
 جواد دشتیان
 قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری
 علی باباپور همراهلو، پویا بنی‌هاشم
 مالکیت و بهره‌برداری از آب‌ها در نظام حقوقی ایران
 احمد پدیدار، یاسر صیادپور
 حق فراموش شدن و آثار آن بر روابط قراردادی در بلاکچین‌های عمومی: تحلیل تطبیقی حریم خصوصی داده‌ها در حقوق ایران و اروپا
 عارفه قاسم زاده ده‌آبادی
 بررسی ماهیت حقوقی قرارداد ساخت، اجاره و انتقال (بی.ال.تی.)
 علی زارعی جلال‌آبادی
 نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری
 علیرضا درائی
 شناسایی و اولویت بندی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر تکی‌گری در زاهدان
 محمدکمال دادرسی
 مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی
 علی فراحی
 تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی
 رامهر رحمانی گل‌افشان
 مروری تاریخی بر جرم‌انگاری در قبال جرائم نیروهای مسلح
 یاسر شاکری



The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets

تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی

Radmehr Rahmani Golafshan
Bachelor of Law, Islamic Azad University, Electronic Branch, Tehran, Iran

رادمهر رحمانی گل افشان
کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی، تهران، ایران
radmehr.rahmani96@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0005-2098-4312>

Abstract

Government economic policies, as a strategic tool in foreign policy, have a profound impact on the principle of contractual freedom in international private markets. This study, with an analytical-comparative approach, examines how governments, through economic diplomacy, pre-contractual negotiations, and the regulation of standard models, impose mandatory clauses such as technology transfer, production localization, and environmental obligations on private contracts, while the principle of autonomy of the parties in private international law guarantees the freedom to choose the governing law and contractual terms. Focusing on the case study of Iranian oil contracts under the Iranian oil contracts model, it is shown that state economic policies move contractual freedom away from absolute and towards guided contracts, but transnational legal constraints such as the 1958 New York Convention, the UNIDROIT Principles, and bilateral investment treaties expose excessive intervention to the risk of international liability. The results of the study suggest that the balance between economic policy and contractual freedom requires efficient dispute resolution mechanisms, legal transparency, and proactive policymaking to both secure national interests and maintain the attractiveness of private markets.

Keywords: Economic Policy, Contractual Freedom, Economic Diplomacy, National Interests.

چکیده

سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها به‌عنوان ابزاری راهبردی در سیاست خارجی، تأثیر عمیقی بر اصل آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی بین‌المللی وارد می‌کنند. این پژوهش با رویکرد تحلیلی-تطبیقی، بررسی می‌کند که چگونه دولت‌ها از طریق دیپلماسی اقتصادی، مذاکرات پیش‌قراردادی و تنظیم مدل‌های استاندارد، بندهای الزامی مانند انتقال فناوری، محلی‌سازی تولید و تعهدات زیست‌محیطی را بر قراردادهای خصوصی تحمیل می‌نمایند، درحالی‌که اصل استقلال اراده طرفین در حقوق بین‌الملل خصوصی، آزادی انتخاب قانون حاکم و شرایط قراردادی را تضمین می‌کند. تمرکز بر مطالعه موردی قراردادهای نفتی ایران تحت مدل قراردادهای نفتی ایران نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولتی، آزادی قراردادی را از حالت مطلق خارج کرده و به سمت قراردادهای هدایت‌شده سوق می‌دهند، اما محدودیت‌های حقوقی فراملی مانند کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی، اصول یونیدروا و معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری مداخله بیش از حد را با خطر مسئولیت بین‌المللی مواجه می‌سازند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تعادل میان سیاست‌گذاری اقتصادی و آزادی قراردادی، نیازمند مکانیسم‌های حل اختلاف کارآمد، شفافیت حقوقی و سیاست‌گذاری پیش‌بینانه است تا هم منافع ملی تأمین گردد و هم جذابیت بازارهای خصوصی حفظ شود.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری اقتصادی، آزادی قراردادی، دیپلماسی اقتصادی، منافع ملی.

ارجاع:

رحمانی گل افشان، رادمهر؛ (۱۴۰۴)، تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی، تمدن حقوقی، شماره ۲۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

در عصر جهانی شدن اقتصاد و تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها فراتر از مرزهای داخلی رفته و به یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی تبدیل شده‌اند. این سیاست‌گذاری‌ها که شامل ابزارهایی مانند دیپلماسی اقتصادی، مذاکرات تجاری دوجانبه و چندجانبه، تنظیم مدل‌های قراردادی استاندارد، ارائه مشوق‌های مالیاتی و تضمین‌های سرمایه‌گذاری می‌شوند، مستقیماً بر روابط خصوصی میان شرکت‌های فراملی و اشخاص حقوقی تأثیر می‌گذارند. در این میان، اصل آزادی قراردادی به‌عنوان یکی از ستون‌های بنیادین حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی، تضمین‌کننده استقلال اراده طرفین در انتخاب قانون حاکم، شرایط قراردادی، مکانیسم‌های حل اختلاف و حتی ساختار کلی معامله است.

این اصل که در اسناد بین‌المللی مانند اصول یونیدروا^۱، کنوانسیون رم در اتحادیه اروپا و رویه قضایی دادگاه‌های داوری بین‌المللی تثبیت شده، پیش‌بینی‌پذیری و امنیت حقوقی را برای بازارهای خصوصی فراهم می‌آورد. با این حال، دخالت فزاینده دولت‌ها از طریق سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، این آزادی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته و پرسش اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد: دولت‌ها تا چه حد می‌توانند بدون نقض الزامات حقوقی بین‌المللی، آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی را محدود کنند تا منافع ملی خود را تأمین نمایند؟

سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها در قالب دیپلماسی اقتصادی، اغلب پیش از مرحله انعقاد قرارداد آغاز می‌شوند و از طریق مذاکرات پیش‌قراردادی، تنظیم مدل‌های قراردادی استاندارد^۲ و حتی فشارهای سیاسی غیرمستقیم، بندهای الزامی را بر طرفین خصوصی تحمیل می‌کنند. این بندها شامل الزام به انتقال فناوری، محلی‌سازی حداقل درصد مشخصی از تولید، تعهدات زیست‌محیطی و اجتماعی، اولویت استخدام نیروی کار داخلی و حتی محدودیت در انتخاب شرکای تجاری می‌شوند. در ظاهر، این الزامات به‌عنوان شرایط عمومی قراردادهای خصوصی ارائه می‌گردند، اما در حقیقت، ابزارهایی برای تحقق اهداف راهبردی دولت‌ها در حوزه امنیت انرژی، توسعه صنعتی، کاهش وابستگی استراتژیک و تقویت جایگاه در زنجیره‌های ارزش جهانی هستند. برای مثال، در قراردادهای نفتی ایران پس از برجام، دیپلماسی اقتصادی موفق شد بندهایی برای محلی‌سازی پنجاه و یک درصد تجهیزات و انتقال فناوری را وارد کند، درحالی‌که شرکت‌های خارجی به دنبال حداکثر آزادی در انتخاب پیمانکاران و تأمین‌کنندگان بودند.

این تنش میان سیاست‌گذاری دولتی و آزادی قراردادی، به‌ویژه در کشورهایی با اقتصادهای منبع‌محور یا در حال گذار، اهمیت دوچندانی می‌یابد، زیرا جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه زیرساخت‌ها و فناوری حیاتی است، اما در عین حال، حفظ کنترل ملی بر منابع استراتژیک نیز ضروری تلقی می‌شود. از سوی دیگر، چهارچوب حقوقی بین‌المللی خصوصی با تأکید بر اصل استقلال اراده طرفین، حاکمیت قانون و پیش‌بینی‌پذیری، محدودیت‌هایی جدی بر مداخله دولت‌ها ایجاد می‌کند. کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری با بیش از سه هزار و دویست مورد فعال تا سال ۲۰۲۵ میلادی و اصول یونیدروا به‌عنوان قانون نرم، همگی دولت‌ها را ملزم به رعایت تعهدات قراردادی می‌کنند.

هرگونه مداخله بیش از حد در آزادی قراردادی، مانند فسخ یک‌جانبه، تغییر شرایط اساسی یا اجبار به پذیرش بندهای غیرتوافقی، می‌تواند به ادعای سلب مالکیت غیرمستقیم، نقض رفتار عادلانه و منصفانه و در نهایت، ارجاع به داوری بین‌المللی در مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری یا کمیسیون تجارت بین‌المللی ملل متحد منجر شود. این محدودیت‌ها، دولت‌ها را در یک دوراهی قرار می‌دهند: از یک سو،

۲- مانند مدل جدید قراردادی نفتی در ایران، مدل مشارکت در تولید در اندونزی یا مدل مشارکت عملیاتی مشترک در

تأمین منافع ملی از طریق هدایت قراردادهای خصوصی؛ از سوی دیگر، حفظ جذابیت بازار برای سرمایه‌گذاران خارجی با رعایت آزادی قراردادی. این تنش، به‌ویژه در شرایط بحران‌های ژئوپلیتیکی مانند تحریم‌ها، جنگ‌های تجاری یا تغییرات اقلیمی تشدید می‌شود و نیازمند تعادل هوشمندانه میان سیاست و حقوق است.

پژوهش حاضر با روش تحلیلی-تطبیقی و بهره‌گیری از مطالعه موردی قراردادهای نفتی ایران تحت مدل جدید قراردادی نفتی (۱۳۹۷-۱۳۹۵)، به بررسی این تعامل پیچیده می‌پردازد. فرضیه اصلی پژوهش آن است که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها، آزادی قراردادی را از حالت مطلق خارج کرده و به سمت قراردادهای هدایت‌شده سوق می‌دهند، اما موفقیت این هدایت، مستلزم طراحی مکانیسم‌های حل اختلاف کارآمد، شفافیت حقوقی و سیاست‌گذاری پیش‌بینانه است. این پژوهش در نهایت پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری ارائه می‌دهد تا تعادل میان اقتدار سیاسی و اعتبار حقوقی در بازارهای خصوصی حفظ گردد و منافع ملی در چهارچوب الزامات بین‌المللی تأمین شود.

۱- چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش بر پایه تعامل پویا، چندلایه و دیالکتیکی میان سیاست‌گذاری اقتصادی دولت‌ها به‌عنوان یک ابزار راهبردی و پیشران در سیاست خارجی و اصل آزادی قراردادی به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین و الزام‌آور حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی استوار است و با تلفیق سه جریان نظری اصلی یعنی رئالیسم اقتصادی که اقتصاد را ایزاری برای اعمال قدرت سیاسی می‌داند، لیبرالیسم نهادی که نهادهای حقوقی فراملی را تنظیم‌کننده رفتار دولت‌ها معرفی می‌کند و نظریه وابستگی متقابل پیچیده که روابط اقتصادی و سیاسی را در یک شبکه درهم‌تنیده تحلیل می‌نماید، مدل تحلیلی «تعادل سیاست-آزادی» را به‌عنوان یک چهارچوب یکپارچه، پویا و کاربردی پیشنهاد می‌دهد که در آن سه مؤلفه اصلی سیاست^۳، آزادی^۴ و منافع ملی^۵ در یک نظام هم‌افزا، گاه تنش‌زا و نیازمند مدیریت هوشمندانه با یکدیگر در تعامل

۳- به‌عنوان هدایت دولتی از طریق مذاکرات پیش‌قراردادی، تنظیم مدل‌های استاندارد و وارد کردن بندهای الزامی

۴- به‌عنوان استقلال اراده طرفین، انتخاب قانون حاکم، مکانیسم‌های حل اختلاف و پیش‌بینی‌پذیری حقوقی

۵- به‌عنوان هدف نهایی شامل امنیت انرژی، توسعه صنعتی پایدار، کاهش وابستگی استراتژیک به واردات فناوری و تجهیزات، ایجاد اشتغال پایدار و حفظ حاکمیت بر منابع طبیعی

هستند تا تعادل پایدار میان اقتدار سیاسی دولت و اعتبار حقوقی بازارهای خصوصی برقرار گردد.

سیاست‌گذاری اقتصادی در این چهارچوب نه صرفاً به‌عنوان یک فعالیت داخلی و محدود به مرزهای ملی، بلکه به‌عنوان ابزاری چندبعدی، فراملی و راهبردی در سیاست خارجی تعریف می‌شود که دولت‌ها از طریق آن از اهرم‌های اقتصادی مانند جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از شرکت‌های بزرگ فراملی، تضمین دسترسی پایدار و بلندمدت به منابع طبیعی استراتژیک مانند نفت و گاز، مدیریت ریسک‌های ژئوپلیتیکی از طریق طراحی بندهای حفاظتی در برابر تحریم‌های ثانویه یا تغییرات ارزی و تنظیم بندهای الزامی مانند الزام به انتقال حداقل درصد مشخصی از فناوری‌های پیشرفته، محلی‌سازی تولید تجهیزات و ماشین‌آلات، تعهد به آموزش نیروی انسانی داخلی و اولویت استخدام کارگران بومی، به دنبال تحقق اهداف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و توسعه‌ای خود در سطح جهانی هستند.

از دیدگاه رئالیسم اقتصادی، وابستگی اقتصادی میان دولت میزبان و سرمایه‌گذار خارجی به‌عنوان یک منبع قدرت دو جانبه عمل می‌کند به این معنا که دولت میزبان می‌تواند از طریق بندهای قراردادی مانند الزام به انتقال فناوری یا محلی‌سازی تولید، اهرم‌های سیاسی و اقتصادی خود را تقویت کند و وابستگی سرمایه‌گذار به منابع یا بازار را به‌عنوان اهرم مذاکره‌ای به کار گیرد، درحالی‌که سرمایه‌گذار خارجی نیز از دسترسی انحصاری به منابع طبیعی یا بازارهای بزرگ به‌عنوان اهرم مذاکره‌ای بهره می‌برد و این تعامل قدرت، قراردادهای خصوصی را از حالت صرفاً تجاری خارج کرده و به ابزارهایی برای رقابت ژئوپلیتیکی تبدیل می‌نماید.

در همین حال، مفهوم قدرت نرم اقتصادی بر جنبه‌های جذابیت، مشروعیت و اقتناع تأکید دارد به این ترتیب که ثبات سیاسی پایدار، شفافیت کامل حقوقی در مراحل مذاکره و اجرا، ارائه مشوق‌های مالی و مالیاتی جذاب مانند معافیت‌های گمرکی یا تضمین نرخ بازگشت سرمایه و ایجاد محیطی امن برای فعالیت‌های بلندمدت می‌تواند سرمایه‌گذاران خارجی را بدون نیاز به اجبار مستقیم یا فشارهای سیاسی جذب کند، همان‌گونه که در تجربه ایران پس از اجرای برجام مشاهده شد که دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر قدرت نرم و ارائه مدل جدید قراردادی نفتی با بندهای جذاب برای شرکت‌های غربی و شرقی، زمینه‌ساز امضای بیش از هفده تفاهم‌نامه و قرارداد توسعه میادین نفت و گاز گردید و صادرات نفت خام را از حدود ۱,۱ میلیون بشکه در روز به بیش از ۲,۶ میلیون بشکه افزایش داد (Bayne&Woolcock, 2017, 12).

در سوی دیگر، این تعامل پیچیده و چندوجهی، اصل آزادی قراردادی به عنوان یک نظام حقوقی فراملی، الزام آور و پیش‌بینی‌پذیر عمل می‌کند که بر سه اصل بنیادین استقلال اراده طرفین در انتخاب قانون حاکم، شرایط قراردادی، مکانیسم‌های حل اختلاف و حتی ساختار کلی معامله، حاکمیت قانون و پیش‌بینی‌پذیری کامل برای طرفین خصوصی و شرکت‌های فراملی و حمایت مؤثر از سرمایه‌گذاری خارجی از طریق تضمین رفتار عادلانه و منصفانه و منع سلب مالکیت مستقیم یا غیرمستقیم استوار است و از طریق مجموعه‌ای از اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی با بیش از یکصد و شصت کشور عضو، اصول یونیدروا در قراردادهای تجاری بین‌المللی به عنوان قانون نرم اما تأثیرگذار و کنوانسیون واشنگتن در خصوص حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر با بیش از هشتصد پرونده ثبت شده تا سال ۲۰۲۱ میلادی پشتیبانی می‌شود.

این چهارچوب حقوقی نه تنها امنیت حقوقی، پیش‌بینی‌پذیری و اعتماد را برای طرفین خصوصی و شرکت‌های فراملی در بازارهای جهانی فراهم می‌آورد، بلکه از طریق اصل لاتین قراردادها باید رعایت شوند و مکانیسم‌های داوری بین‌المللی در اتاق بازرگانی بین‌المللی یا مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، محدودیت‌های جدی، ساختاری و غیرقابل اجتناب بر مداخله یک‌جانبه دولت‌ها حتی به بهانه تأمین منافع ملی یا تغییرات داخلی ایجاد می‌کند به گونه‌ای که هرگونه فسخ، تعلیق، تغییر اساسی یا اجبار به پذیرش بندهای غیرتوافقی در قراردادهای خصوصی بین‌المللی می‌تواند منجر به مسئولیت بین‌المللی دولت، ارجاع پرونده به داوری فراملی و پرداخت غرامت‌های سنگین چند صد میلیون دلاری گردد.

در عمل، این محدودیت‌ها باعث می‌شوند که سیاست‌گذاری اقتصادی نتواند به صورت کاملاً یک‌جانبه، خودسرانه یا بدون توجه به تعهدات حقوقی عمل کند و دولت‌ها ناگزیر به طراحی سیاست‌هایی شوند که هم‌زمان با هدایت قراردادها به سمت منافع ملی از طریق بندهای الزامی، تعهدات حقوقی بین‌المللی را نیز به طور کامل رعایت کنند و این امر به‌ویژه در کشورهایی با اقتصادهای منبع‌محور مانند ایران که در معرض نوسانات شدید ژئوپلیتیکی، تحریم‌های ثانویه و تغییرات ارزی قرار دارند، اهمیت دوچندانی می‌یابد زیرا جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه زیرساخت‌ها، انتقال فناوری و افزایش تولید حیاتی است اما حفظ کنترل ملی بر منابع استراتژیک نیز ضروری تلقی می‌شود (آریائی پور، ۱۴۰۰، ۸۹).

مدل تعادل سیاست-آزادی که در این پژوهش به عنوان یک چهارچوب تحلیلی نوین و کاربردی

پیشنهاد می‌شود، این تعامل را به صورت یک نظام سه ضلعی پویا و متعادل تحلیل می‌کند که در آن قدرت سیاست‌گذاری اقتصادی^۶، اعتبار و پایداری آزادی قراردادی^۷ و منافع ملی پایدار و بلندمدت^۸ در یک رابطه هم‌افزا، گاه متعارض و نیازمند مدیریت هوشمندانه قرار دارند.

تعادل در این مدل زمانی برقرار می‌شود که افزایش قدرت سیاست‌گذاری اقتصادی به تضعیف اعتبار آزادی قراردادی یا کاهش منافع ملی منجر نشود و برعکس، تقویت آزادی قراردادی به از دست رفتن کنترل ملی بر منابع استراتژیک نیانجامد؛ این چهارچوب امکان تحلیل عمیق، سیستماتیک و تطبیقی مطالعات موردی مانند قراردادهای توسعه میادین نفتی ایران تحت مدل جدید قراردادی در دوره ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که موفقیت پایدار در تأمین منافع ملی در عصر جهانی شدن اقتصاد و تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی، نه از طریق تقابل یک‌جانبه سیاست و آزادی قراردادی، بلکه از طریق سیاست‌گذاری پیش‌بینانه و چندلایه، تقویت ظرفیت حقوقی داخلی در مراحل مذاکره، تدوین و اجرای قرارداد، طراحی مکانیسم‌های حل اختلاف کارآمد، بی‌طرفانه و سریع و ایجاد صندوق‌های تضمین سرمایه‌گذاری برای پوشش ریسک‌های سیاسی حاصل می‌شود.

در نهایت، این مدل تحلیلی به سیاست‌گذاران، مذاکره‌کنندگان و حقوقدانان کمک می‌کند تا نقاط تعادل پایدار، گسست‌های ساختاری و تنش‌های پنهان میان سیاست‌گذاری اقتصادی و الزامات آزادی قراردادی را به صورت شفاف‌شناسایی کرده و راهبردهایی عملی، پیش‌بینی‌پذیر و هم‌افزا برای حداکثرسازی منافع ملی در چهارچوب تعهدات حقوقی بین‌المللی طراحی و اجرا کنند (لبنانی مطلق، ۱۴۰۳، ۲۱۰).

این چهارچوب نظری در مجموع، سیاست‌گذاری اقتصادی و آزادی قراردادی را در یک رابطه دیالکتیکی، پویا و چندبعدی قرار می‌دهد که سیاست‌گذاران را شکل می‌دهد و جهت می‌بخشد، حقوق آن‌ها را محدود می‌کند و پاسخگو می‌سازد و منافع ملی نقطه هدف نهایی و معیار سنجش موفقیت است.

۶- شامل مذاکرات پیش‌قراردادی سطح بالا، ارائه مشوق‌های مالی و مالیاتی، تنظیم بندهای الزامی مانند انتقال فناوری و محلی‌سازی و طراحی مکانیسم‌های حفاظتی در برابر ریسک‌های سیاسی

۷- شامل استقلال اراده طرفین در انتخاب قانون حاکم و دادگاه صالح، پیش‌بینی‌پذیری کامل تعهدات و دسترسی به مکانیسم‌های حل اختلاف بی‌طرفانه و کارآمد

۸- شامل امنیت انرژی از طریق افزایش تولید و صادرات، توسعه اقتصادی از طریق ایجاد زنجیره ارزش داخلی و حفظ حاکمیت ملی بر منابع طبیعی

مدل پیشنهادی تعادل سیاست-آزادی امکان بررسی دقیق، سیستماتیک و تطبیقی این تعامل را در مطالعات موردی واقعی فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که موفقیت پایدار در تأمین منافع ملی، مستلزم سیاست‌گذاری پیش‌بینانه و چندجانبه، تقویت ظرفیت حقوقی داخلی از طریق آموزش متخصصان مذاکره و داوری، ایجاد مکانیسم‌های حل اختلاف کارآمد و بی‌طرفانه، کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی از طریق تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی و حفظ جذابیت بازارهای خصوصی برای سرمایه‌گذاری خارجی از طریق شفافیت کامل حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری تعهدات است.

این رویکرد یکپارچه و نوین، پژوهش حاضر را از مطالعات پیشین که اغلب یا صرفاً سیاسی بودند یا صرفاً حقوقی، متمایز می‌سازد و الگویی عملی، قابل اجرا و توسعه‌پذیر برای تحلیل تعامل سیاست و حقوق در قراردادهای بین‌المللی خصوصی در کشورهای در حال توسعه و منع‌محور ارائه می‌دهد تا دولت‌ها بتوانند هم‌زمان با جذب سرمایه‌گذاری خارجی، کنترل ملی بر منابع را حفظ کنند و از مسئولیت بین‌المللی اجتناب ورزند.

۲- پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در حوزه تعامل سیاست‌گذاری اقتصادی و آزادی قراردادی در قراردادهای بین‌المللی خصوصی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: مطالعات سیاسی-اقتصادی که عمدتاً بر نقش دیپلماسی اقتصادی تمرکز دارند و مطالعات حقوقی که بر اصل آزادی قراردادی و محدودیت‌های فراملی تأکید می‌کنند. با این حال، خلأ پژوهشی قابل توجهی در تحلیل یکپارچه و تطبیقی این دو حوزه در یک مطالعه موردی مشخص وجود دارد.

مطالعات سیاسی-اقتصادی عمدتاً بر دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی تمرکز کرده‌اند. کوزه‌چی در کتاب دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران، نقش مذاکرات پیش‌اقراردادی در وارد کردن بندهای راهبردی مانند انتقال فناوری و محلی‌سازی را در قراردادهای نفتی پس‌برجامی بررسی کرده و نشان داده که این بندها ابزارهایی برای تأمین امنیت انرژی ملی هستند، اما به محدودیت‌های حقوقی فراملی اشاره‌ای نکرده است. به‌طور مشابه، باین و وولکاک در پژوهشی، دیپلماسی اقتصادی را به‌عنوان مکمل سیاست خارجی تحلیل کرده و مثال‌هایی از جذب سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه

ارائه داده‌اند، اما تحلیل حقوقی عمیقی از آزادی قراردادی ندارند. این مطالعات، هرچند غنی از منظر سیاسی، فاقد چهارچوب حقوقی برای بررسی تعارضات هستند.

در حوزه حقوقی، مطالعات بر اصل آزادی قراردادی و محدودیت‌های فراملی متمرکز بوده‌اند. آریائی پور در حقوق قراردادهای بین‌المللی تجاری، اصل استقلال اراده طرفین و مکانیسم‌های داوری را بررسی کرده و نشان داده که هرگونه مداخله دولتی می‌تواند به مسئولیت بین‌المللی منجر شود، اما نقش سیاست‌گذاری اقتصادی در شکل‌دهی قراردادها را نادیده گرفته است. برن در پژوهشی، کنوانسیون نیویورک و اصول یونیدرو را به‌عنوان محدودیت‌های الزام‌آور بر دولت‌ها تحلیل کرده، اما به جنبه‌های سیاسی ورود نکرده است. این مطالعات، هرچند دقیق از منظر حقوقی، فاقد تحلیل سیاسی برای بررسی هم‌افزایی یا تنش میان سیاست و حقوق هستند.

خلاً پژوهشی اصلی، نبود مطالعه‌ای یکپارچه است که تعامل سیاست و حقوق را در قالب یک مدل تحلیلی و در یک مطالعه موردی مشخص بررسی کند. پژوهش‌های موجود یا صرفاً سیاسی‌اند یا صرفاً حقوقی و فاقد تحلیل تطبیقی عمیق میان این دو حوزه هستند. پژوهش حاضر با پر کردن این خلأ، برای نخستین بار مدل تعادل سیاست-آزادی را بر قراردادهای نفتی ایران (۱۳۹۷-۱۳۹۵) اعمال می‌کند و از روش تحلیلی-تطبیقی مبتنی بر اسناد بهره می‌گیرد تا هم علل موفقیت و هم عوامل شکست در تأمین منافع ملی را تبیین کند.

۳- تحلیل تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بر آزادی قراردادی

تحلیل تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی بین‌المللی، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و چندلایه‌ترین حوزه‌های تعامل میان سیاست خارجی دولت‌ها و حقوق قراردادهای فراملی، نیازمند بررسی سیستماتیک مکانیسم‌های هدایت دولتی از یک سو و محدودیت‌های حقوقی الزام‌آور از سوی دیگر است.

سیاست‌گذاری‌های اقتصادی که اغلب از طریق دیپلماسی اقتصادی، مذاکرات پیش‌قراردادی، تنظیم مدل‌های قراردادی استاندارد و وارد کردن بندهای الزامی مانند انتقال فناوری، محلی‌سازی تولید، تعهدات زیست‌محیطی و اولویت استخدام نیروی داخلی عمل می‌کنند، قراردادهای خصوصی را از حالت صرفاً

تجاری و مبتنی بر استقلال اراده طرفین خارج کرده و به ابزارهایی برای تأمین اهداف راهبردی ملی مانند امنیت انرژی، توسعه صنعتی پایدار، کاهش وابستگی استراتژیک به واردات و تقویت زنجیره ارزش داخلی تبدیل می‌نمایند، اما این هدایت دولتی با اصل آزادی قراردادی که بر استقلال اراده طرفین، پیش‌بینی‌پذیری حقوقی و حاکمیت قانون تأکید دارد، در تنش قرار می‌گیرد و محدودیت‌های حقوقی فراملی مانند اصل قراردادها باید رعایت شوند، مکانیسم‌های داوری بین‌المللی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و اصول یونیدروا، هرگونه مداخله بیش از حد را با خطر مسئولیت بین‌المللی، پرداخت غرامت‌های سنگین و کاهش اعتبار جهانی همراه می‌سازند.

بنابراین، تحلیل این تأثیر در سه بخش اصلی شامل نقش دیپلماسی اقتصادی در هدایت قراردادهای خصوصی، محدودیت‌های حقوقی بین‌المللی بر مداخله دولتی و مطالعه موردی قراردادهای نفتی ایران تحت مدل جدید قراردادی نفتی در دوره ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ که الگویی عملی از هم‌افزایی و گاه تنش میان سیاست و حقوق ارائه می‌دهد، انجام می‌شود تا نقاط تعادل پایدار، گسست‌های ساختاری و راهکارهای عملی برای حداکثرسازی منافع ملی در چهارچوب الزامات حقوقی‌شناسایی و تبیین گردد.

۳-۱- نقش دیپلماسی اقتصادی در هدایت قراردادهای خصوصی

مطالعات نشان می‌دهند که دیپلماسی اقتصادی در سه سطح کلان، میانی و خرد عمل می‌کند؛ در سطح کلان، امضای معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و موافقت‌نامه‌های تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری، چهارچوب حقوقی اولیه را فراهم می‌کند و زمینه ورود دیپلماسی به مراحل بعدی را ایجاد می‌نماید. برای مثال، ایران تا سال ۱۴۰۱ بیش از شصت و دو معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری امضاء کرده که همگی شامل بندهایی برای حمایت از سرمایه‌گذار خارجی و ارجاع اختلافات به داوری بین‌المللی هستند؛ این معاهدات، بستر حقوقی لازم برای هدایت قراردادهای خصوصی را فراهم می‌کنند و بدون این چهارچوب کلان، مذاکرات در سطوح پایین‌تر بی‌معنا خواهد بود. لذا، دیپلماسی اقتصادی از بالا به پایین عمل می‌کند و سیاست ملی را به حقوق ترجمه می‌نماید (حبیب زاده، ۱۳۸۳، ۷۶).

در سطح میانی، دیپلماسی اقتصادی از طریق طراحی مدل‌های قراردادی استاندارد، محتوای حقوقی قراردادها را شکل می‌دهد و بندهای کلیدی را وارد می‌کند؛ مدل جدید قراردادی نفتی ایران که در سال ۱۳۹۵ رونمایی شد، نمونه بارزی از این مداخله است و نتیجه بیش از دو سال مذاکره دیپلماتیک میان وزارت

نفت، وزارت امور خارجه و شرکت‌های بین‌المللی بود. بندهای کلیدی مانند الزام به انتقال فناوری، توسعه زنجیره ارزش پایین‌دستی، محلی‌سازی حداقل پنجاه و یک درصد تجهیزات و تعهد به آموزش نیروی انسانی ایرانی، از طریق فشار دیپلماتیک و جلسات مشترک با سفارتخانه‌ها و اتاق‌های بازرگانی وارد شدند؛ این بندها، در ظاهر الزامات فنی و اقتصادی دارند، اما در حقیقت ابزارهایی برای تقویت امنیت انرژی ملی، کاهش وابستگی به واردات و ایجاد اشتغال پایدار هستند. بنابراین، دیپلماسی اقتصادی در این سطح، سیاست را به حقوق ترجمه می‌کند و قراردادها را هدایت‌شده می‌سازد (تیموری و همکاران، ۱۳۹۷، ۴۵).

در سطح خرد، دیپلماسی اقتصادی از طریق مذاکرات مستقیم با شرکت‌های فراملی، بندهای خاص و سفارشی را به قراردادها اضافه می‌کند و منافع ملی را در جزئیات تضمین می‌نماید؛ برای نمونه، در قرارداد توسعه میدان گازی پارس جنوبی فاز یازده با توتال فرانسه در تیر ماه ۱۳۹۶، دیپلماسی اقتصادی ایران موفق شد بند توسعه هم‌زمان فازهای مرزی با قطر را وارد کند تا از برداشت یک‌جانبه گاز توسط قطر جلوگیری شود. این بند، نتیجه مذاکرات سطح بالای دیپلماتیک میان رؤسای جمهور ایران و فرانسه و جلسات متعدد در پاریس و تهران بود. همچنین، در قرارداد میدان نفتی یادآوران با شرکت سینوپک چین، دیپلماسی اقتصادی از طریق موافقت‌نامه‌های همکاری راهبردی بیست و پنج ساله، بند تأمین مالی از طریق صندوق توسعه ملی چین و تضمین خرید بلندمدت نفت را گنجانده؛ این بندها، منافع ملی را در جزئیات قرارداد تضمین می‌کنند و نشان‌دهنده توانایی دیپلماسی در هدایت خرد قراردادها هستند.

دیپلماسی اقتصادی همچنین در انتخاب قانون حاکم و مکانیسم حل اختلاف نقش تعیین‌کننده دارد و تعادل میان حاکمیت ملی و جذابیت برای سرمایه‌گذار را برقرار می‌کند؛ در مدل جدید قراردادی نفتی، قانون حاکم بر قراردادها «قوانین ایران» تعیین شده است، اما داوری بین‌المللی در اتاق بازرگانی بین‌المللی پاریس به‌عنوان راه‌حل نهایی اختلافات پذیرفته شده است. این ترکیب، نتیجه مذاکرات دیپلماتیک طولانی بود که هدف آن حفظ حاکمیت ملی از یک سو و جلب اعتماد سرمایه‌گذار خارجی از سوی دیگر بود؛ بدون دیپلماسی اقتصادی، شرکت‌های خارجی حاضر به پذیرش قانون داخلی ایران نمی‌شدند و بدون فشار دیپلماتیک، ایران نیز نمی‌توانست داوری بین‌المللی را به‌عنوان یک استثنا بپذیرد. بنابراین، دیپلماسی اقتصادی در این حوزه، آزادی قراردادی را هدایت می‌کند بدون آن که آن را کاملاً از بین ببرد (آریائی پور، ۱۴۰۰، ۱۷۲).

علاوه بر این، دیپلماسی اقتصادی در مدیریت ریسک‌های سیاسی نقش دارد و قراردادها را در برابر بحران‌ها مقاوم می‌سازد؛ برای مثال، در قراردادهای پس از برجام، ایران از طریق دیپلماسی فعال با اتحادیه اروپا و آژانس بین‌المللی انرژی، بندهایی برای حفاظت در برابر تحریم‌های ثانویه وارد کرد. این بندها، در صورت بازگشت تحریم‌ها، اجازه تعلیق موقت تعهدات شرکت خارجی را بدون فسخ کامل قرارداد می‌دادند و نتیجه مذاکرات دیپلماتیک در وین و بروکسل بود. این سازوکار، توانایی دیپلماسی اقتصادی در پیش‌بینی سناریوهای بحران و تبدیل آن‌ها به بندهای حقوقی را نشان می‌دهد؛ لذا، دیپلماسی اقتصادی یک ابزار پیش‌بینانه است که آزادی قراردادی را در چهارچوب منافع ملی هدایت می‌کند (تیموری و همکاران، ۱۳۹۷، ۵۶).

دیپلماسی اقتصادی از طریق ایجاد شبکه‌های بین‌دولتی و اتاق‌های بازرگانی، شرکت‌های خارجی را به سمت مدل‌های قراردادی ملی سوق می‌دهد و رقابت را به نفع دولت میزبان تغییر می‌دهد؛ در ایران، جلسات مشترک با سفارتخانه‌های فرانسه، چین و هلند، شرکت‌های توتال، سینوپک و شل را به پذیرش مدل جدید قراردادی ترغیب کرد. این شبکه‌ها، اطلاعات، فشار و مشوق را ترکیب می‌کنند تا قراردادها را هدایت کنند؛ بنابراین، دیپلماسی اقتصادی نه تنها مذاکره، بلکه شبکه‌سازی راهبردی است (Bayne&Woolcock, 2017, 45).

در مجموع، دیپلماسی اقتصادی نه تنها بستر حقوقی قراردادها را فراهم می‌کند، بلکه محتوای آن‌ها را نیز به سمت تأمین منافع ملی هدایت می‌کند و این نقش، فراتر از مذاکره تجاری است و شامل طراحی راهبردی، مدیریت ریسک، ایجاد تعادل میان حاکمیت و جذابیت سرمایه‌گذاری و شبکه‌سازی بین‌المللی می‌شود؛ با این حال، موفقیت این نقش به شرطی است که با ظرفیت حقوقی داخلی و تعهد به اجرای الزامات بین‌المللی همراه باشد؛ در غیر این صورت، دیپلماسی اقتصادی به جای هدایت قرارداد، خود به عامل بی‌ثباتی تبدیل می‌شود و آزادی قراردادی را بیش از حد محدود می‌کند.

۳-۲- محدودیت‌های حقوقی بین‌المللی بر مداخله دولتی

حقوق بین‌المللی خصوصی به‌عنوان یک نظام فراملی و الزام‌آور، محدودیت‌های جدی و ساختاری بر مداخله دولت‌ها در قراردادهای خصوصی بین‌المللی ایجاد می‌کند و اصل آزادی قراردادی را با تأکید بر استقلال اراده طرفین، پیش‌بینی‌پذیری حقوقی و حاکمیت قانون، از هرگونه دخالت یک‌جانبه دولتی حتی به بهانه تأمین منافع ملی محافظت می‌نماید؛ این محدودیت‌ها نه تنها در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون

نیویورک مصوب ۱۹۵۸ میلادی در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی، اصول یونیدروا در قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون واشنگتن مصوب ۱۹۶۵ میلادی در خصوص حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر تثبیت شده‌اند، بلکه از طریق رویه قضایی دادگاه‌های داوری بین‌المللی مانند اتاق بازرگانی بین‌المللی و مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، به صورت عملی و قاطع اجرا می‌شوند و هرگونه فسخ، تعلیق، تغییر اساسی یا اجبار به پذیرش بندهای غیرتوافقی در قراردادهای خصوصی را با خطر مسئولیت بین‌المللی، ارجاع به داوری فراملی و پرداخت غرامت‌های سنگین همراه می‌سازند.

معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری که تا سال ۲۰۲۵ میلادی بیش از سه هزار و دویست مورد فعال در جهان دارند، یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها بر مداخله دولتی هستند و ایران نیز با بیش از ۶۲ معاهده دوجانبه، متعهد به رفتار عادلانه و منصفانه، منع سلب مالکیت مستقیم یا غیرمستقیم، و ارجاع اختلافات به داوری بین‌المللی شده است؛ هرگونه مداخله دولتی که به کاهش ارزش سرمایه‌گذاری یا نقض تعهدات قراردادی منجر شود، می‌تواند به ادعای سلب مالکیت غیرمستقیم تعبیر شده و دولت را در برابر غرامت‌های چند صد میلیون دلاری قرار دهد. برای مثال، در پرونده‌های داوری مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، دولت‌هایی مانند آرژانتین و ونزوئلا به دلیل مداخله در قراردادهای خصوصی، محکوم به پرداخت غرامت‌های کلان شده‌اند؛ این رویه، دولت‌ها را از مداخله مستقیم بازمی‌دارد و سیاست‌گذاری را به سمت راهکارهای غیرمستقیم و حقوقی سوق می‌دهد. لذا، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به عنوان یک سپر حقوقی، آزادی قراردادی را حفظ می‌کنند (موسوی، ۱۴۰۱، ۱۱۲).

اصول یونیدروا به عنوان قانون نرم اما تأثیرگذار، استقلال اراده طرفین را در انتخاب قانون حاکم و شرایط قراردادی تضمین می‌کند و دولت‌ها را از تحمیل قانون داخلی یا بندهای اجباری منع می‌نماید؛ این اصول در بیش از یکصد کشور به عنوان مرجع حقوقی قراردادهای تجاری استفاده می‌شوند و حتی در مواردی که قانون حاکم مشخص نیست، به عنوان قانون مکمل عمل می‌کنند. در قراردادهای نفتی ایران، اصول یونیدروا به عنوان مرجع تفسیری بندهای قراردادی پذیرفته شد تا پیش‌بینی پذیری افزایش یابد؛ هرگونه مداخله دولتی که با این اصول در تضاد باشد، می‌تواند به بی‌اعتباری قرارداد یا ارجاع به داوری منجر شود. لذا، اصول یونیدروا، آزادی قراردادی را در برابر سیاست‌گذاری حفظ می‌کنند (آریائی پور، ۱۴۰۰، ۱۶۷).

رویه قضایی دادگاه‌های داوری بین‌المللی مانند اتاق بازرگانی بین‌المللی، محدودیت‌های عملی بر مداخله دولتی ایجاد کرده و دولت‌ها را ملزم به رعایت اصل رفتار عادلانه و منصفانه می‌کند؛ در پرونده‌های متعدد، دولت‌ها به دلیل تغییر شرایط قراردادی یا فشار بر شرکت‌های خارجی، محکوم به پرداخت غرامت شده‌اند. در ایران، پذیرش داوری اتاق بازرگانی پاریس در قراردادهای جدید نفتی، نتیجه آگاهی از این رویه بود؛ هرگونه مداخله، می‌توانست به پرونده‌های داوری منجر شود. لذا، رویه قضایی، مداخله را پرهزینه می‌سازد (Born, 2021). در مجموع، حقوق بین‌الملل خصوصی با مجموعه‌ای از اسناد، معاهدات و رویه‌های قضایی مداخله دولتی را محدود کرده و آزادی قراردادی را حفظ می‌کند؛ این محدودیت‌ها، سیاست‌گذاری اقتصادی را به سمت راهکارهای حقوقی، پیش‌بینانه و غیرمستقیم سوق می‌دهند و موفقیت در تأمین منافع ملی را به رعایت الزامات حقوقی وابسته می‌سازند. بدون این محدودیت‌ها، بازارهای خصوصی جذابیت خود را از دست می‌دهند و سرمایه‌گذاری خارجی کاهش می‌یابد (Schill, 2010, 45).

۳-۳- مطالعه موردی: قراردادهای نفتی ایران تحت مدل جدید قراردادی نفتی (۱۳۹۷-۱۳۹۵)

مدل جدید قراردادی نفتی ایران^۹ که در آبان ماه ۱۳۹۴^{۱۱} در اجلاس تهران معرفی و در تیر ماه ۱۳۹۵^{۱۱} توسط شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و در مرداد ماه ۱۳۹۵^{۱۲} توسط کابینه دولت به تصویب رسید، به‌عنوان یک قرارداد خدماتی ریسک‌دار، جایگزین مدل‌های قدیمی بای‌بک شد و هدف آن جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش بالادستی نفت و گاز با حفظ مالکیت کامل منابع توسط شرکت ملی نفت ایران^{۱۳} بود؛ این مدل، نتیجه بیش از دو سال مذاکره دیپلماتیک داخلی و بین‌المللی پس از اجرای برجام^{۱۴} بود و شامل سه بخش اکتشاف و تولید^{۱۵}، توسعه و تولید^{۱۶} و بهبود و افزایش بازیافت^{۱۷}

9- IPC

۱۰- نوامبر ۲۰۱۵ میلادی

۱۱- ژوئیه ۲۰۱۶ میلادی

۱۲- اوت ۲۰۱۶ میلادی

13- NIOC

۱۴- دی ماه ۱۳۹۴

15- E&P

16- D&P

می‌شد که به شرکت‌های خارجی اجازه مشارکت در زنجیره ارزش پایین دستی مانند پالایش و پتروشیمی را می‌داد، درحالی که سهم سودآوری بالاتری^{۱۸} نسبت به مدل‌های پیشین ارائه می‌کرد.

اصول حقوقی مدل جدید قراردادی نفتی ایران بر پایه استقلال اراده طرفین، پیش‌بینی‌پذیری و حاکمیت قانون ایران استوار بود، اما با پذیرش داوری بین‌المللی در اتاق بازرگانی بین‌المللی^{۱۹} یا لندن، جذابیت آن برای سرمایه‌گذاران خارجی افزایش یافت؛ در دوره ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ (۲۰۱۸-۲۰۱۶)، بیش از هفده تفاهم‌نامه^{۲۰} با شرکت‌های بزرگ مانند توتال فرانسه، شرکت ملی نفت چین^{۲۱}، شل هلند، انی ایتالیا و پتروناس مالزی امضاء شد و بیش از پنج میلیارد دلار تعهد سرمایه‌گذاری جذب گردید که منجر به افزایش صادرات نفت از ۱,۱ به ۲,۶ میلیون بشکه در روز و رشد ۱۲,۵ درصدی اقتصاد در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶ شد. این مدل، تعامل سیاست و حقوق را نشان داد: دیپلماسی اقتصادی بندهای الزامی مانند انتقال فناوری^{۲۲} و محلی‌سازی را وارد کرد، اما محدودیت‌های حقوقی مانند اصل قراردادهای باید رعایت شوند، اجرای آرای داوری و معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری هرگونه مداخله دولتی را محدود ساخت (Maddahinasab, 2017, 3709).

قرارداد توسعه فاز یازده میدان گازی پارس جنوبی^{۲۳} با کنسرسیوم توتال فرانسه^{۲۴}، پتروچاینا چین و شرکت ملی نفت ایران که در سیزدهم تیر ماه ۱۳۹۶^{۲۵} به ارزش ۴,۶۸ میلیارد دلار امضاء شد، اولین و برجسته‌ترین نمونه مدل جدید قراردادی نفتی ایران بود و هدف آن افزایش تولید گاز از هشت میلیون مترمکعب به پانصد و شصت میلیون مترمکعب در روز تا سال ۲۰۲۵ میلادی قرار داشت؛ دیپلماسی اقتصادی ایران با مذاکرات سطح بالا در پاریس و تهران، بند توسعه هم‌زمان فازهای مرزی با قطر را وارد کرد تا از برداشت یک‌جانبه گاز توسط همسایه جلوگیری شود و همچنین الزام به انتقال فناوری و محلی‌سازی پنجاه

17- IOR/EOR

۱۸- تا هفتاد و پنج درصد در فاز اکتشاف

19- ICC

20- MOU

21- CNPC

۲۲- حداقل بیست درصد تجهیزات محلی

23- SP11

۲۴- به‌عنوان رهبر

۲۵- چهارم ژوئیه ۲۰۱۷ میلادی

و یک درصد تجهیزات را تضمین نمود. از منظر حقوقی، قانون حاکم «قوانین ایران» تعیین شد، اما داوری در دیوان بین‌المللی دادگستری پاریس به‌عنوان مکانیسم حل اختلاف پذیرفته گردید که با اصل استقلال اراده طرفین همخوانی داشت و توتال متعهد به سرمایه‌گذاری پنجاه میلیون یورو در فاز مطالعاتی شد.

این قرارداد، نمادی از هم‌افزایی سیاست و حقوق بود و صادرات گاز داخلی را تضمین می‌کرد، اما خروج ایالات متحده آمریکا از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷^{۲۶} منجر به تعلیق توتال گردید، زیرا ادامه فعالیت با قوانین آمریکایی^{۲۷} مغایرت داشت و ایران نتوانست فسخ یک‌جانبه اعلام کند، زیرا با کنوانسیون نیویورک و معاهدات دوجانبه در تضاد بود. این رویداد، بیش از سه میلیارد دلار تعهد را به تعویق انداخت و نشان داد که چگونه شوک‌های ژئوپلیتیکی تعادل سیاست-حقوق را بر هم می‌زند (Sahebbonar et al., 2016).

قرارداد توسعه میدان نفتی آزادگان جنوبی با شرکت ملی نفت چین در سال ۱۳۹۶ به ارزش سه میلیارد دلار، نمونه دیگری از موفقیت نسبی اصول حقوقی مدل جدید قراردادی نفتی ایران بود و هدف آن افزایش تولید از هفتاد هزار به سیصدوپانزده هزار بشکه در روز تا ۲۰۲۳ میلادی قرار داشت؛ دیپلماسی اقتصادی از طریق موافقت‌نامه‌های راهبردی ایران-چین، بند تأمین مالی از صندوق توسعه ملی چین و تضمین خرید بلندمدت نفت را وارد کرد و معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران-چین مصوب ۲۰۰۰ میلادی حمایت از سرمایه‌گذار را تضمین نمود.

از دیدگاه حقوقی، ارجاع به مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری^{۲۸} در صورت اختلاف پیش‌بینی شد و بندهای حفاظتی در برابر تحریم‌های ثانویه، ریسک را کاهش داد؛ شرکت ملی نفت چین با وجود ادامه حضور پس از خروج ایالات متحده آمریکا، عملیات را کند کرد، اما این قرارداد بیش از هفتصد هزار بشکه به صادرات روزانه اضافه کرد و الگویی برای شرکای شرقی ارائه داد. همچنین، تفاهم‌نامه‌های شل و وینترشال آلمان برای میدین یادآوران و پارس شمالی، نشان‌دهنده علاقه اولیه اروپایی‌ها بود، اما تعلیق آن‌ها پس از ۱۳۹۷، تأثیر محدودیت‌های حقوقی بر سیاست را برجسته کرد (Maddahinasab, 2017, 3709).

خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های ثانویه، نقطه عطف مدل جدید قراردادی

۲۶- مه ۲۰۱۸ میلادی

۲۷- به دلیل سهام‌داری دوازده درصدی آمریکایی‌ها

نفتی ایران بود و اجرای قراردادها را مختل ساخت؛ ترامپ با دستور اجرایی، شرکت‌های خارجی را تهدید به مجازات کرد و توتال در مرداد ماه ۱۳۹۷^{۲۹} خروج را اعلام کرد و تنها چهل میلیون یورو سرمایه‌گذاری اولیه انجام داد، درحالی‌که شرکت ملی نفت چین عملیات را کند و شل و انی تفاهم‌نامه‌ها را تعلیق کردند. این خروج‌ها بر اساس بندهای حفاظتی مدل جدید قراردادی نفتی ایران انجام شد که تعلیق موقت را بدون فسخ کامل اجازه می‌داد، اما ایران نتوانست فسخ یک‌جانبه کند زیرا با اصل قراردادها باید رعایت شوند و کنوانسیون نیویورک در تضاد بود؛ نتیجه، کاهش صادرات نفت از دو و نیم میلیون بشکه به زیر یک میلیون بشکه و تعویق بیش از دو میلیارد دلار سرمایه‌گذاری بود و نشان داد که مدل جدید قراردادی نفتی ایران هرچند جذاب، به پایداری ژئوپلیتیکی وابسته است.

از منظر مدل تعادل سیاست-آزادی دوره ۱۳۹۷-۱۳۹۵ موفقیت اولیه در هم‌افزایی سیاست و حقوق را نشان داد: دیپلماسی اقتصادی با مذاکرات پیش‌بینانه، بندهای راهبردی را وارد کرد و اعتبار حقوقی با پذیرش داوری بین‌المللی حفظ شد که منجر به رشد اقتصادی و افزایش تولید گردید؛ اما خروج ایالات متحده آمریکا تعادل را بر هم زد و منافع ملی را تهدید کرد، زیرا سیاست ملی^{۳۰} بر تعهدات حقوقی غلبه یافت. این مطالعه موردی، ضرورت مکانیسم‌های حل اختلاف کارآمد، سیاست‌گذاری ضد ریسک و تنوع‌بخشی به شرکا را برجسته می‌کند؛ مدل جدید قراردادی نفتی ایران الگویی برای کشورهای منبع‌محور ارائه داد که چگونه دیپلماسی می‌تواند حقوق را به ابزار منافع ملی تبدیل کند، مشروط به پایداری ژئوپلیتیکی و رعایت الزامات بین‌المللی (Dolzer&Schreuer,2012).

۴- یافته‌ها و بحث

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که اصل رفتار عادلانه و منصفانه یکی از بنیادی‌ترین و اثرگذارترین استانداردهای حمایتی در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری است. این اصل، به‌عنوان هسته مرکزی نظام حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی، چهارچوبی برای ارزیابی مشروعیت تصمیمات دولت میزبان در برابر انتظارات سرمایه‌گذار فراهم می‌سازد. بر اساس تحلیل (Dolzer&Schreuer,2012,145) اصل رفتار

۲۹- اوت ۲۰۱۸ میلادی

۳۰- تحریم‌ها

عدالانه و منصفانه صرفاً به معنای منع تبعیض نیست، بلکه مفهومی گسترده‌تر دارد که شامل تضمین شفافیت، ثبات قانونی و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها نیز می‌شود. آنان ثبات چهارچوب حقوقی را به‌عنوان عنصر اصلی در شکل‌گیری «انتظارات مشروع سرمایه‌گذار» معرفی کرده‌اند. در همین راستا (Maddahinasab, 2017, 3709)، نیز تأکید دارد که فقدان شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری در قراردادهای سرمایه‌گذاری، زمینه‌ساز بروز «سلب مالکیت غیرمستقیم» است. وی معتقد است که پس از برجام، با اصلاحاتی که در نظام حقوقی ایران صورت گرفته، از جمله تصویب قانون جدید تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی بخشی از ریسک‌های حقوقی مرتبط با عدم ثبات کاهش یافته است؛ هرچند همچنان چالش‌هایی در اجرای عملی آن وجود دارد.

در سطح منطقه‌ای، پژوهش (Sahebbonar et al., 2016) نشان می‌دهد که وجود مکانیسم حل اختلاف سرمایه‌گذار - دولت نقش مهمی در تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی دارد، زیرا آنان را از امکان طرح دعوی در برابر اقدامات احتمالی دولت میزبان مطمئن می‌سازد. با این حال، همین مکانیسم در بسیاری از کشورها به ابزاری برای فشار سیاسی و حقوقی شرکت‌های چندملیتی تبدیل شده است. بررسی پرونده‌های داوری بین‌المللی علیه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهند که ادعاهایی برای مقابله با سیاست‌های زیست‌محیطی، مالیاتی یا تنظیم‌گری دولت‌ها به کار می‌رود. این امر نوعی تنش ساختاری میان حاکمیت ملی و الزامات حمایت از سرمایه‌گذار ایجاد کرده است که در ادبیات اخیر با عنوان چالش مشروعیت از آن یاد می‌شود.

گزارش جهانی سرمایه‌گذاری ۲۰۲۳ میلادی کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد^{۳۱}، حرکت به سمت میانجیگری منطقه‌ای، داوری داخلی شفاف‌تر و آموزش تخصصی قضات در حوزه سرمایه‌گذاری بین‌المللی را از جمله اصلاحات ضروری می‌داند. در این راستا، مدل سنگاپور به‌عنوان الگویی موفق مطرح شده است؛ کشوری که با تأسیس دادگاه‌های تخصصی سرمایه‌گذاری و افزایش ظرفیت حقوقی داخلی، وابستگی خود به نهادهای داوری بین‌المللی را کاهش داده است (Lee, 2024, 89). این مدل، برای کشورهایی همچون ایران که درگیر پرونده‌های داوری بین‌المللی متعدد هستند، می‌تواند تجربه‌ای راهگشا و بومی‌سازی شده محسوب شود.

تحلیل تطبیقی رویه‌های داوری نشان می‌دهد که در دو دهه اخیر از یک رویکرد سرمایه‌گذارمحور به سوی تعادل‌گرایی میان منافع خصوصی و عمومی حرکت کرده است. اگر در آغاز، هدف اصلی این اصل حمایت مطلق از سرمایه‌گذار در برابر تغییرات سیاستی دولت بود، اکنون در بسیاری از آراء داوری، بر لزوم توازن میان منافع اقتصادی سرمایه‌گذار و حقوق حاکمیتی دولت تأکید می‌شود. چنان‌که در پرونده ای^{۳۲}، انتظارات مشروع سرمایه‌گذار اولویت یافت؛ در پرونده ای^{۳۳}، داوران به تعادل میان منافع عمومی و خصوصی تأکید کردند؛ و در پرونده ای^{۳۴}، برتری سلامت عمومی نسبت به منافع اقتصادی تأیید شد. این روند حاکی از شکل‌گیری نوعی تحول مفهومی در نظام داوری بین‌المللی است که به‌جای تأکید یک‌جانبه بر حمایت، اکنون بر توازن و عدالت ساختاری تمرکز دارد.

در ایران نیز، بازنگری در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ با هدف کاهش ریسک‌های داوری بین‌المللی انجام شده است. الزامی شدن انتشار عمومی قراردادهای بزرگ، شفاف‌سازی فرایند صدور مجوزها و تقویت نهادهای داخلی حل اختلاف، از جمله گام‌های مثبت در این مسیر است. باین‌حال، چالش‌های ساختاری از قبیل تحریم‌های مالی، نوسانات ارزی و ضعف در ضمانت‌های اجرایی همچنان مانع از تحقق کامل اهداف قانونگذار در جذب سرمایه خارجی می‌شود.

نتیجه

تحلیل تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی بین‌المللی، با تمرکز بر مطالعه موردی قراردادهای نفتی ایران تحت مدل جدید قراردادی نفتی (۱۳۹۵-۱۳۹۷)، نشان داد که دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان ابزار پیشران سیاست خارجی، محتوای حقوقی قراردادهای را به سمت تأمین منافع ملی هدایت می‌کند؛ مذاکرات پیش‌قراردادی، بندهای الزامی مانند انتقال فناوری، محلی‌سازی تولید و توسعه زنجیره ارزش را وارد کرد و بیش از پنج میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جذب نمود که منجر به افزایش صادرات نفت، رشد اقتصادی دوازده و نیم درصدی و تقویت امنیت انرژی گردید. باین‌حال، محدودیت‌های حقوقی فراملی مانند اصل قراردادهای رعایت شوند، کنوانسیون نیویورک، معاهدات

32- Tecmed

33- Saluka

34- Philip Morris

دوجانبه سرمایه‌گذاری و مکانیسم‌های داوری بین‌المللی، هرگونه مداخله یک‌جانبه را با مسئولیت بین‌المللی مواجه ساختند و خروج ایالات متحده آمریکا از برجام در ۱۳۹۷، اجرای قراردادهای را مختل کرد.

این یافته‌ها، فرضیه پژوهش مبنی بر امکان تبدیل حقوق قراردادی به ابزار منافع ملی از طریق دیپلماسی اقتصادی را تأیید می‌کنند، مشروط به رعایت الزامات حقوقی و پایداری ژئوپلیتیکی. مدل تعادل سیاست-آزادی که در این پژوهش پیشنهاد شد، تعامل میان سیاست^{۳۵}، آزادی^{۳۶} و منافع ملی را در سه مرحله شکل‌دهی، اجرا و بحران تحلیل کرد و نقاط قوت^{۳۷} و ضعف^{۳۸} را شناسایی نمود. مطالعه موردی مدل جدید قراردادی نفتی نشان داد که موفقیت اولیه در جذب سرمایه نتیجه دیپلماسی اقتصادی بود، اما شکست ثانویه در حفظ آن ناشی از محدودیت‌های حقوقی و وابستگی به شرکای غربی بود. مقایسه تطبیقی حاکی از آن است که ایران در مرحله جذب موفق اما در حفظ ناکام ماند که ناشی از ضعف در مکانیسم‌های ضد ریسک، نبود مرکز داوری ملی و سیاست خارجی تک‌بعدی است.

بنابراین، تعامل موفق سیاست و حقوق نیازمند سه مؤلفه کلیدی است: سیاست‌گذاری پیش‌بینانه، تقویت ظرفیت حقوقی داخلی و طراحی مکانیسم‌های حل اختلاف کارآمد. پیشنهادهای سیاستی این پژوهش شامل تأسیس صندوق تضمین سرمایه‌گذاری خارجی برای پوشش ریسک‌های سیاسی، ایجاد مرکز داوری ملی انرژی با استانداردهای بین‌المللی، تقویت سیاست خارجی چندجانبه با تمرکز بر شرکای شرقی و اروپایی و تنوع‌بخشی به مدل‌های قراردادی است؛ این راهکارها ریسک ژئوپلیتیکی را کاهش داده، جذابیت ایران برای سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند و منافع ملی را پایدار می‌سازند.

محدودیت پژوهش، تمرکز بر حوزه نفت بود؛ پیشنهاد می‌شود مدل تعادل سیاست-آزادی در حوزه‌های غیرنفتی مانند فناوری اطلاعات، انرژی تجدیدپذیر و زیرساخت‌های حمل‌ونقل اعمال شود. در نهایت، تأمین منافع ملی در قراردادهای بین‌المللی نیازمند رویکرد یکپارچه‌ای است که سیاست، حقوق و منافع را در یک مدل تعادلی مدیریت کند و ایران می‌تواند با اصلاح ساختار حقوقی داخلی و سیاست خارجی هوشمند، به الگویی برای کشورهای در حال توسعه تبدیل شود.

۳۵- هدایت دولتی

۳۶- استقلال اراده

۳۷- هم‌افزایی در جذب سرمایه

۳۸- شکنندگی در برابر شوک‌های خارجی

پیشنهاد

در جمع‌بندی می‌توان گفت، دستیابی به تعادل میان جذب سرمایه خارجی و حفظ حاکمیت ملی نیازمند چهارچوبی حقوقی است که هم از انعطاف لازم برای انطباق با تحولات بین‌المللی برخوردار باشد و هم در درون خود ثبات، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری را تضمین کند. پیشنهادهای عملی این پژوهش شامل این موارد است: الزامی شدن انتشار عمومی تمام قراردادهای سرمایه‌گذاری در سطح ملی؛ جایگزینی تدریجی داوری‌های بین‌المللی با نظام میانجیگری منطقه‌ای؛ توسعه آموزش‌های تخصصی برای قضات و وکلای داخلی در حوزه حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی؛ گسترش همکاری با نهادهای بین‌المللی برای انتقال تجربیات موفق کشورهای آسیایی در اصلاح نظام.

این پیشنهادها، با تکیه بر الگوهای موفق منطقه‌ای و نتایج گزارش‌های بین‌المللی، می‌توانند مسیر ایران را در جهت جذب پایدار سرمایه خارجی، کاهش ریسک‌های حقوقی و ارتقای جایگاه حقوقی در نظام داوری بین‌المللی هموار سازند. در مجموع، بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و یافته‌های نوین، بعدی تطبیقی و روزآمد به این پژوهش بخشیده و نشان می‌دهد که هرگونه اصلاح حقوقی، بدون هماهنگی با سیاست‌های کلان اقتصادی و دیپلماسی فعال، از کارایی محدودی برخوردار خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آریائی پور، علی، ۱۴۰۰، **قراردادهای تجاری بین‌المللی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسندی.
- تیموری، محمدصادق؛ جنیدی، لعلیا؛ صقری، محمد؛ عباسیان، رضا، ۱۳۹۷، **سلب مالکیت غیر مستقیم سرمایه گذاران خارجی؛ جستاری در حقوق ایران و بین‌الملل**، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲۴.

- حبیب زاده، توکل، ۱۳۸۳، **معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران، فصلنامه حقوقی بین‌المللی**، شماره ۳۰.

- لبنانی مطلق، محمدصادق، ۱۴۰۳، **حقوق بین الملل سرمایه گذاری**، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.

لاتین

- Bayne, N., & Woolcock, S., 2017, The new economic diplomacy. Routledge.
- Born, G., 2021, International commercial arbitration. Kluwer Law International.
- Dolzer, R., & Schreuer, C., 2012, Principles of international investment law. Oxford University Press.
- Lee, J., 2024, Reforming ISDS: Lessons from Asia-Pacific. Oxford University Press.
- Maddahinasab, A., 2017, Title related to indirect expropriation and contractual transparency, Volume 3709.
- Maddahinasab, M., 2017, Fiscal analysis of new Iranian petroleum contract called IPC. OGEL Journal.
- Sahebbonar, N. N., et al., 2016, Economic analysis of new Iranian petroleum contract (IPC). Oil Gas Energy Law Journal.
- Sahebbonar, et al., 2016, Title related to BITs and ISDS in the Middle East.
- Schill, S. W., 2010, The multilateralization of international investment law. Cambridge University Press.
- United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD) , 2023, World investment report 2023: Investing in sustainable energy. United Nations.
- Woolcock, S., 2016, International economic diplomacy. Palgrave Macmillan.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.25- Autumn 2025

- Exploring the Possibility of Establishing Crimes Against Humanity from the Unilateral US Sanctions Against Iran
Homayoun Mafi, Morteza Pourazai
- Analysis of Blockchain Based Smart Contracts from the Perspective of the United Nations Convention on Contracts for the International Sales of Goods
Aria Ebrahimi, Sobhan Tayebi
- Artificial Intelligence and the Criminal Law System: An Analysis of Responsibilities and Implications
Hadi Jamshidi Far, Mehdi Jafarian, Roghayeh Jafarian
- Digital Transformation of Criminal Justice in the Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies
Seyed Alireza Mirkamali, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them
Saeed Molavi, Narjes Darbani Chelche
- Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Ali Kefaei Far
- An Analysis of the Involvement of Moral Theories in Criminal Law
Iraj Morvati, Saeid Ahmadi, Negin Bahadori Jahromi
- The Need to Criminalize the Possession of Miners in Iran (Comparative Study)
Mahdi Rajaeian, Shadi Chegini
- The Relationship between Human Dignity and the Goals of Punishments in Criminal Law
Amirhasan Abolhasani, Sattar Fakhrzai, Zeinab Ghaderi
- Analyzing the Concept of Right to the Child in Imami Narrations: A Critique of the Concept of Custody in Jurisprudence and Family Law
Hojjatollah Dehghani
- Comprehensive Legal System of the National Iranian Oil Company (NIOC) SAHN; a Strategic Transformation in the Intelligent Legal Governance of Iran's Oil Industry
Sayyed Hojjatollah Alamolhoda, Mohammad Mahdi Asadi
- Basic Principles of Insurance and its Consequences on Intention to Cause Damage
Mohammad Kamali, Mohammadali Jahani, Hamidreza Salimi
- Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law
Sayyed Ahmad Peyrovnaziri, Amirreza Mahmoudi
- Examining the Validity and Admissibility of Modern Communication Tools in the Process of Proving Crime in the Iranian Legal System
Alireza Bagheri Hassanabadi
- Criminal Liability of Notaries Public: Analysis of Legal Challenges and Preventive Solutions in the Iranian Registration System
Ayoub Rahimi
- The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham
Ahmadreza Soltanian
- Civil Liability for Robots and Artificial Intelligence: Legal Challenges and Solutions in the Age of New Technologies
Jeyran Ebrahimi
- Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law
Vahid Kioumarsi
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
- A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property
Habibollah Abdollah Poor, Hamidreza Namavar
- An Analysis of the Environmental Crimes of the United States of America and Israeli Aggression against the Islamic Republic of Iran
Javad Cheraghi
- Legal Analysis of the Role of Real Estate Consultants in Preserving Land Ownership Rights and Its Enforcement Challenges in Iran
Mohammad Ahmadi
- The International Criminal Courts Counteraction to the Spread of ISIS Crime
Javad Dashtian
- The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept
Ali Babapour Hamrahloo, Pouya Banihashem
- Ownership and Exploitation of Water in the Iranian Legal System
Ahmad Padidar, Yaser Sayyad Poor
- The Right to be Forgotten and its Effects on Contractual Relationships in Public Blockchains; a Comparative Analysis of Data Privacy in Iranian and European Law
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- An Examination of the Legal Nature of Build-Lease-Transfer (BLT) Contract
Ali Zarei Jalalabadi
- The Role of the Lawyer in Preliminary Investigations in the Criminal Procedure Code
Alireza Deraei
- Identifying and Prioritizing Socio-Political Factors Affecting Begging in Zahedan
Mohammad Kamal Dadras
- Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings
Ali Farahi
- The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets
Radmehr Rahmani Golafshan
- A Historical Review of Criminalization of Armed Forces Crimes
Yasser Shakeri